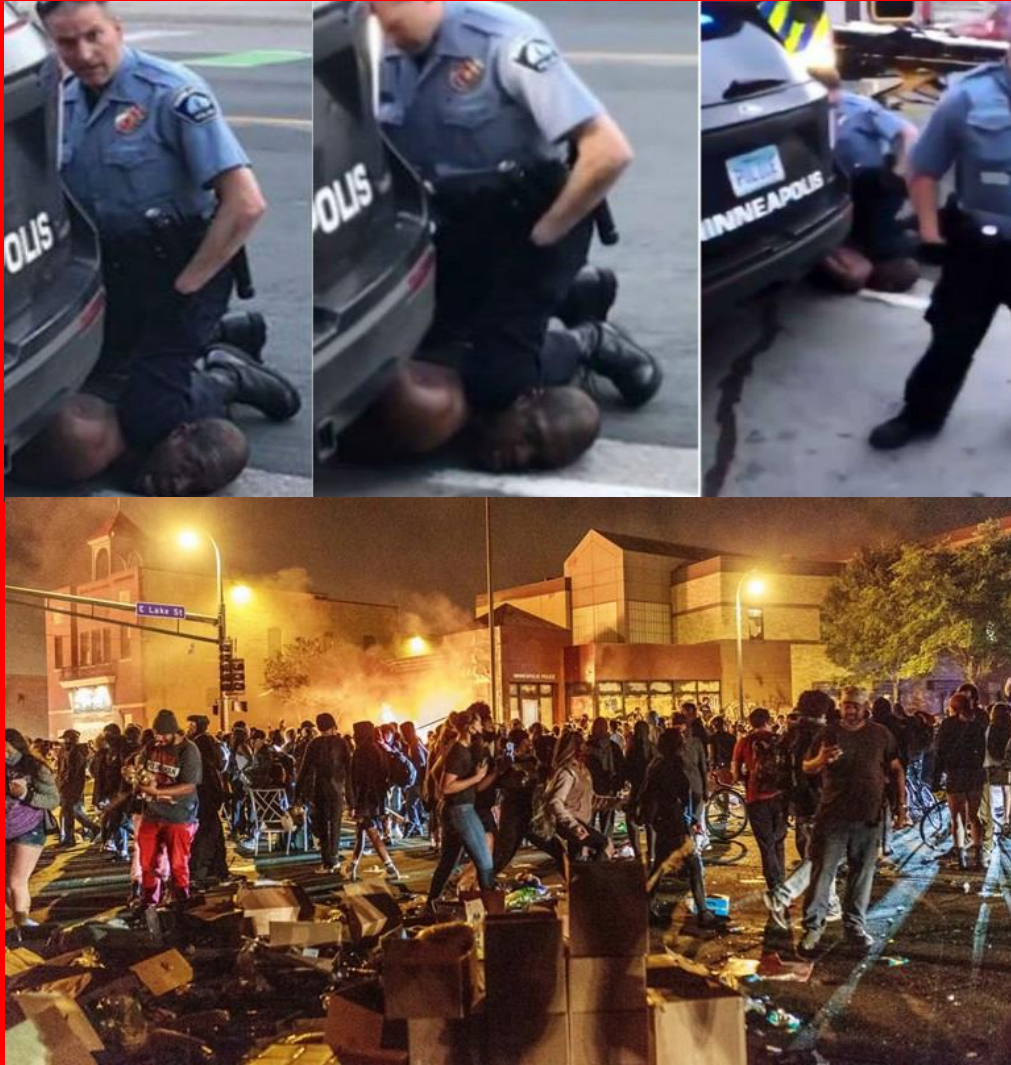


# نژاد پرستی، فقر، دولت پلیسی، بردگی مزدی سرمایه داری یعنی توحش!



صدای انترناسیونالیستی

E-mail: [internationalist.voice@gmail.com](mailto:internationalist.voice@gmail.com)

Homepage: [www.internationalist.tk](http://www.internationalist.tk)

تلگرام: <https://t.me/intvoice>

پخش فیلم چند دقیقه ای توسط یکی از شاهدان عینی در شبکه های اجتماعی از صحنه وقوع جرم که در آن جورج فلویید برای نفس کشیدن زیر زانوی یکی از افسران جنایتکار پلیس در شهر مینیاپولیس در آمریکا تقلا میکرد، جرقه عظیم ترین اعتراضات خیابانی را در آمریکا زد. این اعتراضات گسترده ترین اعتراض ضد نژادپرستی در آمریکا پس از ترور مارتین لوتر کینگ است. بیش از ۱۶ هزار سرباز گارد ملی برای کمک به برقراری نظم در بیش از ۲۵ ایالت مستقر شده اند، در جریان اعتراضات تاکنون حداقل ۱۱ نفر کشته، صدها نفر زخمی و بیش از ۸۰۰۰ نفر بازداشت شده اند. اعتراضات به دیگر کشورها نیز سرایت کرده است و تداوم دارد.

جنایت پلیس نژادپرست، خشم فرو خورده سیاه پوستان، رنگین پوستان، جوانان، بیکاران و غیره را بر انگیخت و دست به طغیان زدند که در روند خود به یک جنبش اعتراضی تبدیل شد که حالا بخش اعظم آنرا سفید پوستان تشکیل میدهند. این بار تحقیر شدگان، که بیکاری، فقر، بدبختی، نژادپرستی، تحقیر سیستماتیک و ظلم و ستم، و از همه مهمتر خشونت و تحریکات سیستماتیک پلیس جنایتکار که به بخشی از زندگی روزانه شان تبدیل شده است و به تبع آن زندگی جهنمی که سرمایه داری دمکرات برایشان تهیه دیده است، زندگی که دیگر برایشان مفهومی ندارد، سر به طغیان زدند. رویه کار نیز همانند سایر کشورهای سرمایه داری است. پلیس تحریک شان می کند، خشم نهفته طغیان می کند و سر به شورش بر می دارند.

در سال ۲۰۰۵ در فرانسه، در مهد تمدن بورژوازی، پلیس به شکل وحشیانه ای به تعقیب جوانان پرداخت. دو تن از جوانان در حین فرار به یک ترانسفورماتور برق برخورد کردند، پلیس بدون اینکه کمکی بکند، جان باختند. این حادثه سرآغاز شورش سه هفته ای شد و برای اولین بار بعد از ماه مه ۱۹۶۸ حالت فوق العاده اعلام شد. همان رویه در اگوست ۲۰۱۱ در انگلستان تکرار شد. پلیس یک جوان سیاه پوست را به نام «مارک دوگان» در اثر تیراندازی به قتل می رساند. قتل «مارک دوگان» سرآغاز شورش جوانانی شد که در نتیجه آن صدها خودرو، مغازه و غیره به آتش کشیده شد.

بورژوازی آمریکا نیز همانند بورژوازی دیگر کشورها و همچون بورژوازی ایران در پاسخ به اعتراضات خیابانی به سرکوب متوسل شد. درست همانند سرکوب اعتراضات ایران ماشین پلیس صفوف تظاهر کنندگان را زیر گرفت. ترامپ سر دسته گانگسترها اظهار داشت ارتش را برای سرکوب معترضان به خیابانها خواهد کشاند، اما از ترس، خود و خانواده اش به پناهگاه زیر زمین کاخ سفید پناه بردند. اگر در آمریکا پلیس با گلوله جنگی همچون ایران صدها نفر را فعلا قتل عام نمیکند بخاطر آن است که اولاً بورژوازی آمریکا دور اندیش تر از بورژوازی ایران است و میدانند قتل عام به رادیکال تر شدن اعتراضات منتهی میشود، ثانیاً بورژوازی آمریکا هنوز احساس خطر جدی نمی کند. اگر احساس خطر کند همچون بورژوازی فرانسه بدنبال شکست کمون پاریس در عرض فقط یک هفته بیش از ۲۰ هزار نفر را قتل عام میکند.

در ایالت نیوجرسی پلیس به حيله جدیدی متوسل شد، در صفوف تظاهر کنندگان علیه راسیسم راهپیمایی کرد تا خشم آنها را تخلیه کند. بر خلاف توهم عده ای، دستگاه پلیس بخشی از ارگان

سرکوب دولت سرمایه داری است، دستگاه پلیس را نمیتوان با آموزش و یا اصلاحات اصلاح کرد بلکه تنها با به زیر کشیدن سرمایه داری است که دستگاه سرکوب مفهوم خود را از دست میدهد.

زمینه های شکلگیری چنین طغیانهای چیست؟

این اعتراضات محصول بحران سرمایه داری است، محصول سالها نابرابری و تبعیض اقتصادی و اجتماعی است. فاصله طبقاتی در پیشرفته ترین کشور سرمایه داری، در قلب تپنده سرمایه، چهره زشت خود را عیان تر از دیگر کشورهای سرمایه نشان میدهد. نژاد پرستی به یک هیولا در جامعه تبدیل شده است و بخشی از اعضای جامعه عملا شهروندان درجه دوم جامعه قلمداد میشوند.

پیامدهای ناشی از پاندمی کووید-۱۹ در قلب تپنده سرمایه وحشتناک تر و خشن تر از دیگر کشورهای سرمایه داری است و عوارض بحران سرمایه داری را تشدید کرده است. در آینده نشانه های بحران سرمایه داری خود را واضحتر و خشن تر نشان خواهند داد. در آمریکا پاندمی ویروس کرونا بیش از صد هزار نفر را قتل عام کرده است، بیش از ۴۰ میلیون نفر در آمریکا بیکار شده اند. در چنین شرایطی میلیونها انسان به درون ارتش گرسنگان پرتاب شده اند که از حمایت های معیشتی، بهداشتی، درمانی و غیره برخوردار نیستند. بیکاری یک عامل مهم در انگیزه به مبارزه شده است. میلیونها انسان، زندگی جهنمی را که نظام کثیف سرمایه داری برایشان مهیا کرده است، تجربه می کنند.

ایدئولوگهای مزدور و کثیف بورژوازی نیز دست به کار شده اند، تا سناریو را تکمیل کنند. تقلا میکنند تا وانمود کنند، اعتراضات خیابانی آمریکانه ناشی از معضلات جامعه وارونه سرمایه داری، نه ریشه در ورشکستگی سرمایه داری بلکه ناشی از عملکرد اشتباه افرادی از پلیس است و یا اینکه پلیس باید آموزش بهتری ببیند. این یک افسر پلیس نبود که زانو بر گلوی یک انسان زد و او را زیر زانوی خود خفه کرد بلکه این سرمایه است که طبقه کارگر و اقشار تحتانی جامعه را زیر زانوی خود خفه میکند.

اگر چه کارگران آمازون و اینستاکارت در آمریکا علیرغم شیوع ویروس کرونا دست به اعتصاب زده بودند، در حالیکه شرایط پاندمی شرایط خوبی برای مبارزه طبقاتی نیست، امکان شیوع ویروس و آلوده کردن دیگران را دارد، اما متأسفانه طبقه کارگر آمریکا بعنوان یک طبقه اجتماعی عملا نقش نظاره گر را در اعتراضات خیابانی دارد. طبقه کارگر بعنوان یک طبقه اجتماعی وارد اعتراضات خیابانی نشده است. تنها رانندگان اتوبوس در مینیاپولیس از کمک به پلیس برای حمل و نقل معترضین دستگیر شده خودداری کردند.

اگر چه اکثریت معترضان از قشر محروم جامعه هستند و بخش زیادی از آنها از خانواده های کارگری هستند اما طبقه کارگر بعنوان یک طبقه اجتماعی جهت گیری اعتراضات اجتماعی را تعیین نمیکند. خشونت طبقاتی آگاهانه و کنترل شده طبقه کارگر با شورش، غارت، خشونت فردی و غیره تفاوت دارد. تنها قهر جمعی که به سوی دولت، نهاد و ارگانهای نظام سرمایه داری جهت گیری شده باشد، در راستای منافع پرولتاریا است. انقلاب اجتماعی نه داغون کردن فیزیکی امکانات

بلکه داغون کردن روابط اجتماعی سرمایه داری است که همچون زنجیری به پای نیروهای تولیدی است.

بخشی از وظایف طبقه کارگر و جریانات سیاسی آن جهت دادن به جنبشهای اعتراضی است تا بخش رادیکال این جنبش ها را بطرف مبارزه طبقاتی سوق دهند. کمونیستها جبرگرا نیستند و به دخالت و تاثیر گذاری انقلابیون در مبارزه طبقاتی باور دارند. بدون دخالت و تاثیر گذاری گرایشات انقلابی در اعتراضات اجتماعی تنها خشم خفته اعتراضات اجتماعی تخلیه خواهد شد و اعتراضات اجتماعی نخواهند توانست به سطح عالی تری ارتقاء یابند.

سرمایه داری منشأ تمامی نا عدالتی ها و نابرابریها در جامعه است و بوی گند و کثافت آن جامعه را پر کرده است. سرمایه داری مسبب زندگی جهنمی ماست. در جهان پسا کرونا شاهد اعتراضات اجتماعی در اقصی نکات این کره خاکی خواهیم شد. تنها مبارزه طبقاتی است که می تواند چشم اندازی برای آینده بشریت ارائه دهد. تنها مبارزه ای که رهبری آن در دست طبقه کارگر باشد میتواند پیروزی نهایی را تضمین کند. مبارزه طبقاتی در روند خود ضرورت تشکیل کمیته های محلات، کمیته اعتصاب، کمیته کارخانه و دیگر تشکل های مستقل کارگری را ایجاب میکند. تشکلهای مستقل کارگری، پویائی انقلابی به مبارزه طبقاتی میدهد، جهت آن را مشخص می کند. آیا طبقه کارگر با تشدید مبارزه طبقاتی، سرمایه داری را به چالش خواهد کشید و افق انقلاب جهانی را خواهد گشود و به بدبختی میلیاردها انسان این کره خاکی پایان خواهد داد؟

**فیروز اکبری**

۱۴ خرداد ۱۳۹۹